

پلکان عبادت



حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

عبادت و پرهیزکاری از جمله مواردی هستند که در معارف دینی ما حدانتهایی ندارند، بلکه همیشه بزرگان دینی برای اهل این سلوک، پلکان و مراحل بالاتری را نشان می‌دهند و افق‌های جدیدی را آشکار می‌کنند که حتی خواجه کائنات حضرت محمدبن عبدا...^(ص) که بالاترین و بهترین عبادت را در بین انسان‌ها دارند، خطاب به خداوند تعالی می‌فرمایند: «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ وَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ»، ما تو را چنان که حق معرفت می‌باشد، نشناختیم و ما تو را آن گونه که حق عبادت توست پرستش نکردیم، این موضوع به ما نشان می‌دهد که در هر مرحله از عبادت و عبودیت که هستیم، نباید خودمان را از حد قصور و تقصیر خارج بدانیم و احساس کنیم که به انتهای این امر دست‌یافته‌ایم.

در این نوشتار کوتاه قصد داریم به برخی از پلکان‌ها و مراحل این عبادت و عبودیت اشاره کنیم تا ان‌شاء... بتوانیم از اهل صعود در مراحل بندگی و عبادت باشیم. برای شروع، آنچه در معارف دینی ما به‌عنوان مغز و ریشه عبادت معرفی شده، دعاست که دعا کردن در واقع به‌معنای توجه و ابراز نیاز به پروردگار بی‌نیاز است و نشان از این دارد که اولاً ما به او اعتقاد داریم و ثانیاً او را قادر بر رفع مشکلات خود می‌بینیم و نیز به یاری او در زندگی خودمان امید داریم.

امام جعفرصادق^(ع) می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِالْذُّعَاءِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ»، همیشه خودت را به دعا ملزم کن که دعا شفادهنده هر درد و بیماری است، (اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۷) و نیز امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرمایند: «الذُّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَ مِصْبَاحُ الطَّلَمَةِ، دعا کلید رحمت الهی و چراغ ظلمت و تاریکی‌هاست، (بحار، ج ۹۳، ص ۳۴۱) و در روایت شریف دیگری از امام محمدباقر^(ع) آمده است: «الذُّعَاءُ يَرْزُقُ الْقَضَاءَ وَ قَدْ أَبْرَمُ إِيرَاماً! دعا کردن آن چنان است که مقدرات حتمی الهی را دگرگون می‌کند!»، (اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۶)

یکی از نشانه‌های اولیای الهی و دوستان خاص خداوند، همین اهل دعابودن است، اما قصه در همین متوقف نمی‌شود که روایت است حضرت زهرا^(ص) پیوسته برای دیگران دعا می‌کردند و توصیه‌کرده‌اند برای اینکه توجه‌خداوند را به خودتان جلب کنید، اهل توجه‌کردن و دعاکردن برای دیگران باشید. از بین دیگران باز دعاکردن برای افرادی که به‌کردن ما حق دارند موردتوجه قرار گرفته است، مثل پدر و مادر و بالاتر از آن دعاکردن برای اهل‌بیت^(ع) که دعای پرفضیلت صلوات، مصداق همین عبادت بزرگ است.

حالا سؤال این است که خود اهل‌بیت^(ع) چه فردی دعا می‌کردند؟ پاسخ آن است که اهل‌بیت^(ع) برای فرج منتقم آل محمد^(ص) دعا می‌کردند، پس انتهای این سلسله از عبادت و عبودیت، دعاکردن و توجه‌کردن به حضرت ولی عصر، امام‌زمان^(ع) است که ان‌شاء... خداوند بزرگ ما را به این دعا که در بیان خود حضرت موجب گشایش امور ماست، موفق گرداند.

بردار و بخوان

سلام بر میت

رمان «سلام بر میت» داستان طلبه جوان و کم‌تجربه‌ای است که در ماه رمضان برای تبلیغ به روستایی می‌رود و با اتفاقاتی روبه‌رو می‌شود و ترس نهفته‌ای که از کودکی در دلش بوده، یعنی ترس از مرده، برایش دوباره زنده می‌شود. طلبه جوان در این روستا با سختی‌هایی روبه‌رو می‌شود از ماجراهایش در روبارویی با دیوانه‌ای به نام ناصر تا برخوردش با معنادی به نام ملوعلی‌یخی! در طی داستان با داشته‌های معنوی و اخلاقی‌ای که در حجره، مدرسه علمیه و سر کلاس استادانش کسب کرده است، سعی می‌کند با این مشکلات دست‌وپنجه نرم کند که گاه می‌شکند و گاه بر مشکلات غالب می‌شود. رضا کشمیری، نویسنده این اثر، با روایت این داستان، تلاش امیدوارانه طلبه جوان را در سایه توجه به خدا و یاد مرگ به تصویر کشیده است. هر فردی که این کتاب را بخواند و به قلبش رجوع کند، جوانه‌های امید، رشد اخلاقی و ذکر معاد در جانش ریشه می‌زند.

بپرس و بدان

حدود شوخی

در این ستون به پرسش‌های شمار باره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید با ارسال پیامک پرسش‌های خود را به شماره ۰۷۲۸۹۳۰۰۰ یا ما در میان بگذارید.

● **روایات در باب شوخی و مزاح دو گونه است؛ برخی روایات مشوق‌اند و روایاتی مزاح و شوخی را مذموم می‌دانند.** حال کدام دسته از روایات رجحان دارند؟ اگر جمع ممکن است، حدودحدود شوخی پسندیده و ناپسند چیست؟

آیتا...العظمی سیستمانی

از مجموع روایات استفاده می‌شود که شوخی مذموم آن است که مشتمل بر گناه باشد یا منافی با متانت و وقار باشد و شوخی ممدوح آن است که موجب انبساط‌خاطر بدون گناه و با محافظت بر وقار و متانت باشد.

آیتا...العظمی بهجت

به‌نحوی که موجب ایذا و آزار و اذیت شونده نشود، مانعی ندارد.

آیتا...العظمی مکارم شیرازی

شوخی در جای خود و در حد اعتدال اشکالی ندارد، مشروط بر اینکه آلوده به گناه نباشد. در سیره پیامبر اکرم^(ص) امامان و بزرگان دین، مزاح و شوخی وجود داشته است. در روایت است که مؤمن، شوخ و مزاح است، البته این کار نباید از حد اعتدال خارج شود و یا آمیخته با گناه، غیبت، شخرطه و استهزا شود و یا وسیله انتقام‌جویی و آبروریزی شود که در این صورت، یکی از بدترین ردایل اخلاقی و صفات نکوهیده خواهد بود. اگر می‌بینیم در منابع اسلامی از مزاح گاهی به‌عنوان یک فضیلت و گاه به‌عنوان یک صفت ردیله یاد شده است، اشاره به این دو جنبه است.

آیتا...العظمی سیدمحمد شاهرودی

مزاح در صورتی که از محدوده شرع مقدس خارج نباشد، جایز است بلکه رجحان دارد.

آیتا...العظمی نوری

در مواردی که شوخی موجب غفلت از خدا و دل‌بستگی به دنیا باشد یا مستلزم ایذا و آزار و اذیت یا مشتمل بر دروغ و مانند آن باشد، مذموم است و در مواردی که موجب سرور و خوشحالی مؤمنان باشد، ممدوح است.

آیتا...العظمی تبریزی

شوخی‌هایی که داخل عنوان لهو نیستند که مزاح نامیده می‌شوند با وصف مؤمن‌بودن منافات ندارند.



حجت‌الاسلاموالمسلمین کفیل در گفت‌وگو با شهرآرا

معیار معاشرت مومنان حبّ امام (ع) است

آمنه‌مستقیمی^۱ در سبک زندگی که اسلام به‌عنوان نقشه راه به انسان ارائه کرده است تا با پیمودن آن به حیات طیبه مدنظر قرآن دست یابد؛ معاشران، هم‌نشینیان و دوستان نقش مهمی دارند، چنان‌که در لسان شعر آمده است: «پسر نوح با بدان بنشست، خاندان رسالتش گم شد...»؛ در عصر موسوم به غیبت و انتظار نیز معاشرت و کیفیت آن و راه‌های بهره‌مندی از ظرفیت هم‌نشینی و دوستی برای انس با امام زمان^(عج) اهمیت دارد؛ مسئله‌ای که در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدصادق کفیل، کارشناس مهدوی و رئیس مرکز تخصصی صحیفه سجادیه، بررسی شده است و مشروح آن در ادامه می‌آید.

معیار دوستی در جامعه ایمانی

ما گاهی تصور می‌کنیم پیوند با امام زمان^(عج) توقف در امام است و بعضاً خود را امام‌زمانی و اهل‌بیتی می‌دانیم و با این نگاه، انس خود را به امام^(ع) محدود می‌کنیم و تصورمان این است که همه عشق، علاقه و انس ما معطوف به امام^(ع) است؛ درحالی‌که انسان وقتی به کسی علاقه‌مند است به محیط و اطرافیان او نیز علاقه دارد، برای مثال نمی‌شود ما عاشق پدر و مادرمان باشیم، اما به خواهر و برادرمان علاقه نداشته باشیم؛ نشانه عشق به مادر آن است که به فرزندان او نیز توجه شود. شاخص اصلی در سبک زندگی مهدوی و امام‌زمانی آن است که انسان، روابط خود را بر مدار وجود مقدس امام عصر^(عج) تنظیم کند. اساساًزندگی‌ای اهل‌بیتی است که شاخص ارتباطات در آن، شخص امام باشد؛ یعنی دوست‌داران امام‌را دوست داشته باشیم و برای علاقه‌مندشدن به فردی، میزان دوستی و پیوند او با امام را بسنجیم، این معیار در ادعیه و زیارات نیز تصریح شده است، چنان‌که در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «وَلِيٍّ لِّمَنْ وَالَاكُم».

دلیل خستگی و کسالت در رابطه‌ها!

با این نگاه، برخورد انسان با همه مطلوب و مثبت می‌شود، حتی در رابطه با فرزند، همسر و همسایه چون امام را حلقه وصل رابطه می‌داند، با چنین مهندسی‌رفتاری، انسان هرگز در روابط خود با دیگران متوقع و خسته نمی‌شود، چراکه هر قدمی برمی‌دارد و هر خدمتی که می‌کند، به نیت امام است. اینکه بعضاً در رابطه‌ها خسته، کسل و پشیمان می‌شویم و خودخوری می‌کنیم، به دلیل این است که شاخص و محور ارتباط را خودمان تعریف می‌کنیم. اگر ارتباط ما توحیدی و اهل‌بیتی باشد، دیگر از دیگران متوقع نیستیم، مثل زمانی که برای خدا نماز می‌خوانیم و روزه می‌گیریم، اما از دیگر افراد انتظار جبران آن یا تحسین و تشویق نداریم. اگر در نظام ارتباطات با نگاه به امام زمان^(عج) قدم برداریم و عمل کنیم، هرگز خسته، کسل و بی‌نشاط نمی‌شویم.

میان‌بر رسیدن به عصر ظهور

محور قراردادن امام عصر^(عج) در سبک زندگی منتظرانه، سبب همدلی و اجتماع قلوب می‌شود و این اجتماع چنان برکتی دارد که حتی می‌تواند زمینه‌ساز ظهور شود، چنان‌که امام زمان^(عج) فرمودند: اگر محبان ما بر حبّ و محبت ما همدل و مجتمع شوند، فرج رخ می‌دهد. در فرهنگ مهدویت و انتظار، غایت آمال و تمنای منتظران، فرج و ظهور امام مهدی^(عج) است و این فرج به گفته خود حضرت^(عج) زمانی اتفاق می‌افتد که همه یکدل و همدل شویم. بنابراین تعاریف، انسان مهدوی دغدغه‌های اجتماعی دارد و بر اساس این دغدغه‌ها عمل می‌کند.

شاخص و راه نزدیک‌شدن و انس با امام‌زمان^(عج) انس با دوستان امام و فاصله‌گرفتن از دشمنان ایشان است. ما می‌خواهیم به امام زمان^(عج) تمسک بجوییم و به‌طورطبیعی یار امام شویم. قرآن راه این امر مهم را نشان می‌دهد: «يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللّهِ»، سیره پیامبر^(ص) نیز کیفیت معاشرت، انتخاب معاشران و دوستان را نشان می‌دهد، چنان‌که قرآن درباره ایشان می‌فرماید: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹)

تبری و تولّی باید در همه ما وجود داشته باشد، یعنی اگر به دیگری علاقه داریم و با او معاشرت و دوستی می‌کنیم، برای امام و حبّ به امام باشد و بگوییم حضرت به ما گفته‌اند همدل و همراه باشید ما نیز چنین می‌کنیم و اجر و مزد این دوستی‌ها را از حضرت حجت^(عج) دریافت می‌کنیم؛ امام گفته‌اند کینه، بخل و حسد نداشته باشید؛ جامعه امروزی نگران است، چون رابطه‌اش با محوریت امام نیست و همیشه در ارتباطات خود غصه‌دار است!

آیات قرآن و روایات

با چه کسانی دوست شویم؟

پیامبر^(ص) و اهل‌بیت^(ع) نیز درباره دوستی توصیه‌هایی دارندکه عمل به آن‌ها ما را از هم‌نشینیان بد نجات می‌دهد. رسول‌خدا^(ص) می‌فرمایند: «انسان بر دین دوستش خواهد بود، بنابراین هر یک از شما دقت کند که با چه کسی دوست می‌شود،»

امیرالمؤمنین علی^(ع) می‌فرمایند: «دوست اگر در سه مورد دوستش را حمایت نکند، دوست نیست: در شدت و گرفتاری او، در غیبت وی و پس از مرگش.»

امام صادق^(ع) می‌فرمایند: هر زمان امیرمؤمنان^(ع) به منبر می‌رفتند، می‌فرمودند: «شایسته است مسلمان از رفاقت با سه نفر دوری کند: پُرووی بی‌باک تبهکار، احمق و دروغگو.»

راست‌گویی و صداقت عصری است که در روایات در انتخاب دوست به آن توصیه می‌شود. امیرالمؤمنین علی^(ع) می‌فرمایند: «بهترین برادران تو کسی است که با راست‌گویی خود تو را به راست‌گویی دعوت کند و با اعمال نیک خود تو را به بهترین کارها فراخواند.»

(غررالحکم، ج ۲، ص ۲۳۲)

انسان با چه کسی دوست می‌شود، به نیت او بستگی دارد؛ اگر نیت او این است که با او دوستی کند و او را به نیکی و محبت دعوت کند، این دوستی می‌تواند به نفع او و نفع شما منتهی شود.

(نهج‌البلاغه، ص ۴۹۲)